

زیست‌پذیری شهری: مفهوم، اصول، ابعاد و شاخص‌ها

محمد سلیمانی مهرنجانی، دانشیار دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی، تهران

سیمین تولایی، استاد دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

مجتبی رفیعیان، دانشیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

احمد زنگانه، استادیار دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

فروغ خزاعی‌نژاد*، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

تأیید مقاله: ۱۳۹۴/۱۰/۱۹

پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۸/۱۶

چکیده

امروزه، شهرها مکان اصلی کار و زندگی بخش عمده بشر شده‌اند، به طوری که بیش از ۵۰٪ از جمعیت ۷ میلیارد نفری جهان در شهرها زندگی می‌کنند. از این رو، توجه به کیفیت زندگی، شرایط، امکانات و نیازهای ساکنان شهرها، مسئله‌ای حیاتی است. نظر به مشکلات متعدد شهرها، رویکردهای مختلفی برای ارتقا و بهبود شرایط زندگی در آنها پیشنهاد و مطرح شده است که زیست‌پذیری شهری یکی از آنها است. امروزه زیست‌پذیری در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته به عنوان یک اصل راهنما در چارچوب گفتمان پایداری در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی شهری گسترش پیدا کرده است. این مقاله ضمن معرفی زیست‌پذیری به عنوان رویکرد غالب در برنامه‌ریزی شهری جهان معاصر؛ خاستگاه نظری، دیدگاه‌های تأثیرگذار و ادبیات نظری-تجربی، ابعاد و شاخص‌های آن را بررسی کرده است. این تحقیق به لحاظ هدف بنیادی-نظری و داده‌های آن، به روش کتابخانه‌ای-اسنادی فراهم آمده است. یافته‌های مقاله بیانگر این موضوع است که با توجه به شرایط امروز، در بیشتر شهرهای جهان توافق کلی درباره اهمیت و ضرورت شناخت، تحلیل و تبیین زیست‌پذیری شهری در ابعاد گوناگون وجود دارد؛ اما اجماع نظر درباره تعریف، اصول، معیارها و شاخص‌های آن وجود ندارد. مهم‌ترین علت این امر را می‌توان در وابستگی مستقیم این مفهوم به شرایط مکانی، زمانی و مهم‌تر از همه، بستر اجتماعی-اقتصادی و مدیریتی جامعه هدف دانست.

کلیدواژه‌ها: پایداری، رشد هوشمند، روستاشهری، زیست‌پذیری، کیفیت زندگی.

* E- mail: kh.foroogh@yahoo.com

نویسنده مسئول

این مقاله برگرفته از مبانی نظری رساله دکتری در حال انجام خانم فروغ خزاعی‌نژاد، در گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی است.

مقدمه

در جهان امروز، شهرها مکان اصلی کار و زندگی انسان‌ها شده‌اند. اگر در گذشته‌ای نه چندان دور، شهرها پدیده‌هایی استثنایی و کمیاب بودند، امروزه به مکان اصلی سکونت انسان و هنجار تبدیل شده‌اند (کلارک، ۱۳۸۸: ۶). همه روزه بر تعداد و جمعیت شهرها و بالطبع، مشکلات آنها افزوده می‌شود. به طوری که بیشتر شهرهای بزرگ با مشکلاتی چون جدایی‌گزینی قومی، تفکیک کاربری‌ها، جدایی محل کار از سکونت، فرسودگی و زوال محلات، افزایش ترافیک خیابان‌ها، محرومیت و نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی، سلامت، رفاه، نابرابری در دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی، تفریحی و... مواجه‌اند. با توجه به این شرایط، امروزه رهیافت‌های گوناگونی از جمله پایداری، کیفیت زندگی، رشد هوشمند، نوشهرگرایی و زیست‌پذیری برای مواجهه با این شرایط و حل این معضلات در شهرهای جهان مطرح و به کار گرفته شده است. رهیافت‌های مذکور هر چند در پرداختن به رضایت افراد، ارزیابی ساکنان از محیط، امنیت، بهداشت، کیفیت مکان، محبوبیت عمومی و سیاست‌گذاری با هم هم‌پوشانی دارند (Van kamp. et al., 2003: 6)، اغلب در ریشه و مبنا متفاوتند.

زیست‌پذیری که مفهوم تحت بحث و بررسی این پژوهش است، اساساً از اواخر قرن بیستم مورد توجه قرار گرفته است (Jacobs & Appleyard, 1987: 112)، زیرا فضاهای شهری دچار مسائلی چون کیفیت پایین محیط، آلودگی صوتی و هوا و... شده بودند. انتقادات وارده از سوی محققان شهری و اجتماعات انسانی، جین جاکوبز و اپلیارد (۱۹۸۷)، را بر آن داشت تا بر مفهوم زیست‌پذیری به عنوان یکی از رویکردهای دستیابی به محیط شهری قابل زیست و باکیفیت تأکید کنند. هدف اصلی آنها بهبود کیفیت فضاهای شهری با مقیاس انسانی در شهرهای مدرن بود (Mahmudi. et al., 2015: 105). از آن زمان تاکنون، موج گسترده شهرنشینی و مشکلات آن همواره به‌طور فزاینده‌ای بر اهمیت زیست‌پذیری افزوده و چشم‌پوشی از آن را دشوار و غیرممکن کرده است. چنان‌که همایش‌های سالانه‌ای با محوریت این موضوع، از دهه ۱۹۷۰ تاکنون برگزار شده است و سازمان‌هایی نیز این مضمون را از طریق برنامه‌ریزی‌های محلی و ایالتی خود ترویج داده‌اند. توسعه شهرهایی با قابلیت پیاده‌روی، توسعه کاربری‌های مختلط و چندگانه و ایجاد دامنه متنوعی از تسهیلات عمومی شهری، برای زیست‌پذیر و لذت‌بخش‌تر کردن محیط‌های شهری، از موضوعات اصلی این جنبش بوده است. طرفداران زیست‌پذیری، در کار خود از نوشته‌های صاحب‌نظران شهری و انسان‌گرای قدیمی‌تر قرن بیستم، مانند لوئیس مامفورد، ویلیام اچ ویت و برنارد رودوفسکی الهام گرفته‌اند (ویلر، ۱۳۹۳: ۲۵).

خاستگاه نظری زیست‌پذیری

تقسیم کار اجتماعی، انباشت ثروت و قدرت مدیریت آن و سیستم ایدئولوژیک سلسله‌مراتبی، نخستین شهرها و موج شهرنشینی را شکل دادند، اما آنچه به شهر و شهرنشینی ابعاد و اهمیت ویژه بخشید و باعث شکل‌گیری موج دوم شهرنشینی شد، انقلاب صنعتی بود. رشد سریع و شتاب‌زده شهرها، تغییرات بنیادینی در سبک زندگی ساکنان و نگرش متفکران شهری بر جای گذاشت. چنین شد که نظریات مختلفی برای توصیف و تحلیل وضع موجود، یا مواجهه با آن مطرح شد. یکی از این نوع نظریه‌ها به تعبیر فرانسوا شوای، شهرسازی ترقی‌گرا با انگاره نوگرایی (معماری و شهرسازی مدرن) بود

که سال‌ها اندیشه غالب شهر و شهرسازی بوده است (شوای، ۱۳۷۵: مقدمه). در خلال سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۲۰ معماران مکتب مدرن، فرم‌های کلاسیک و سنتی را کنار گذاشتند و تلاش کردند، هر آنچه را که مربوط به سنت و گذشته می‌شد، حذف کنند. از سویی دیگر، برنامه‌ریزان به پیشرفت تکنولوژی و توسعه اقتصادی اعتقادی راسخ پیدا کردند و فرم‌های تحلیل شدیداً کمی، مورد استفاده علوم مختلف قرار گرفت. مدرنیست‌ها تلاش می‌کردند با برنامه‌ریزی تکنوکرات متخصص محور، مسائل شهری در سراسر جهان را از طریق تحلیل‌های کمی تبیین کنند. این شدت عمل منجر به واکنش‌های منفی عمومی نسبت به مدرنیسم گردید. از این رو، با نزدیک شدن به پایان قرن بیستم، به دلیل ایجاد فضاهای شهری بی‌روح، یک‌شکل، تخریب محیط زیست، تشدید نابرابری‌ها و سطح پایین زیست‌اجتماعات محلی، از مدرنیسم انتقاد شد (ویلر، ۱۳۹۳: ۵۸). به بیان دیگر، بحران‌های ناشی از طرح‌های شهرسازی مدرنیسم، همچون مشکلات و پیامدهای حاصل از تفکیک کاربری‌ها در کشورهای مختلف، بی‌توجهی به مفهوم کیفیت زندگی در خلال سال‌های جنگ جهانی و بسیاری معضلات دیگر، نظریه‌ها و دیدگاه‌های تازه‌ای را مطرح کرد. یکی از این نظریات که در مواجهه با مشکلات شهرهای مدرن، مطرح شد، نظریه شهر انسان^۱ است که ایده‌ای انسان‌دوستانه برای شهرهای آینده در نظر دارد. طراحان این شهرها، نه فقط معمار و شهرساز، بلکه مجموعه‌ای از متفکران علوم اجتماعی، روان‌شناسی، تاریخ، اقتصاد و حقوق‌اند که عمدتاً به کشورهای انگلوساکسون تعلق دارند. شهر انسان، حاصل این ایده و اندیشه است که شهر، صرفاً یک پروژه فنی و مهندسی برای ساختن سرپناه نیست، بلکه باید همه جنبه‌های تمدن یک جامعه را پوشش دهد (شوای، ۱۳۷۵: ۵۸). ریشه‌های این تفکر را می‌توان در اندیشه‌های آرمان‌گرایان یافت که با بهره‌گیری از روش‌شناسی کل‌نگر، بر نقد جوامع صنعتی تأکید می‌کردند. آن، فوریه، بنجامین وارد ریچاردسون و هانری دوسن سیمون از این دست‌اند. صورت ملموس‌تر، سازمان یافته‌تر و اجرایی‌تر نظریات آرمان‌گرایان را می‌توان در نظریه باغشهرهای هاوارد جست‌وجو کرد که تلاشی در جهت بهبود شرایط و وضعیت زندگی ساکنان شهرهای بزرگ بود. ادامه این تفکرات در دوران معاصر را می‌توان در اندیشه‌های جین جیکوبز یافت که از تغییر و سامان‌دهی فضای شهری با در نظر گرفتن مفهوم سلامت روان دفاع می‌کند و شکل کالبدی شهر را عاملی مؤثر بر مسائل و معضلات اجتماعی چون بزهکاری و... می‌داند. جیکوبز مدعی بود که شهرهای سالم و بانشاط، شهرهایی ارگانیک، خودجوش و خوش‌اقبال‌اند که بر پایه تنوع اقتصادی، انسانی و معماری، جمعیت‌های مترکم و اختلاط کاربری‌ها می‌بالند (جیکوبز، ۱۹۶۱: ۱۷). در همین زمان، نظریه هرم احتیاجات بشر که توسط روان‌شناس نامی امریکایی، آبراهام مازلو مطرح شد، بی‌تأثیر بر تغییر نگرش و تأکید بر تأمین نیازهای گوناگون انسان در شهرها نبوده است. به باور وی، نیازهای انسان در چهار لایه قابل بررسی است که عبارتند از: لایه اول؛ نیازهای اساسی انسان و لایه دوم؛ امنیت که تأمین‌کننده نیازهای مهمی چون مسکن، شغل، امنیت و... است. همچنین، مازلو در لایه‌های سوم و چهارم به نیازهایی چون تعلقات روحی، ارتباط با دیگران، اعتقادات، فقدان تبعیض و... توجه کرده است. بعدها وینهوون این نظریه را بسط داد. وینهوون معتقد بود، اینکه دقیقاً چه اجتماعی زیست‌پذیر، یا زیست‌پذیرتر است، کاملاً روشن نیست، اما قدر مسلم این است که مردم در اجتماعی که نیازهایشان بهتر برآورده شود، شادتر و راضی‌ترند (خراسانی، ۱۳۹۱: ۳۱). از این رو، می‌توان گفت زیست‌پذیری پیشینه و تاریخی طولانی در اندیشه‌های شهر و برنامه‌ریزی شهری دارد. هر چند تا اواخر قرن بیستم، به این نام خوانده نشده است.

مرور ادبیات تحقیق

بحث درباره ویژگی‌های شهر زیست‌پذیر به سال ۱۹۵۸، زمانی که مجله معماری منظر مجموعه مقالات کوتاهی از طراحان حرفه‌ای و دانشگاهیان درباره ایجاد شهر زیست‌پذیر منتشر کرد، بازمی‌گردد. جالب اینکه هیچ‌کدام از نویسندگان این مقالات، اصطلاح زیست‌پذیر یا زیست‌پذیری را در نوشته‌های خود نیاورده بودند. این مقالات به جای پرداختن به مشکلات جاری شهری، به زشتی‌های مدرنیسم، علل رهایی شهر به نفع حومه و راهکارهایی برای جذاب‌تر کردن مراکز شهری توجه کرده بودند. اما واژه زیست‌پذیری را اداره ملی هنر آمریکا در سال ۱۹۷۰ برای اولین بار و به منظور دستیابی به ایده‌های برنامه‌ریزی شهری مد نظر قرار داد و بعدها، مراکز و سازمان‌های تحقیقاتی دیگر این واژه را به کار گرفتند (Larice, 2005: 58) که امروزه با گسترش مشکلات جوامع انسانی و تشدید روبه‌روز آنها و افت کیفیت و شاخص‌های زندگی ساکنان مکان‌های مختلف، بسیار قوت گرفته است؛ به نحوی که بیشتر طراحان، برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان شهری به آن توجه و تأکید دارند. تاکنون مطالعات متعددی در سراسر جهان در زمینه زیست‌پذیری انجام گرفته است که در ادامه، به برخی از آنها در جدول ۱ اشاره می‌شود:

جدول ۱. خلاصه برخی مطالعات خارجی انجام گرفته درباره زیست‌پذیری

محقق	سال	عنوان	هدف	روش	مکان	نتیجه
لاریس ^۱	۲۰۰۵	محلات خوب: زیست‌پذیری و ریخت‌شناسی محلات پرتراکم در امریکای شمالی	ایجاد یک تئوری عملیاتی از زیست‌پذیری در مقیاس محله و تعیین معیارهایی برای اندازه‌گیری آن	کمی و کیفی	امریکا	محلات متراکم از نظر جمعیت و مسکن در دستیابی به شرایط زیست‌پذیری موفق‌ترند و تفاوت معناداری میان محلات از نظر دستیابی به ابعاد زیست‌پذیری وجود دارد.
دانستان ^۲	۲۰۰۷	ایجاد یک شاخص زیست‌پذیری: ارزیابی زیست‌پذیری محله	ایجاد شاخصی برای اندازه‌گیری زیست‌پذیری محله	کیفی	انگلستان	مرور بر ادبیات نشان می‌دهد که زیست‌پذیری یک محله ارتباط محکم و مستقیمی با شاخص امنیت و کیفیت فضاهای سبز و پارک‌ها دارد.
هرمان شاه ^۳ و همکاران	۲۰۰۸	متابولیسم فضای شهری شهر زیست‌پذیر	تبیین چارچوب مفهومی متابولیسم شهری و کشف عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری شهرها	کیفی	مالزی	تحقیقات میان‌رشته‌ای نقش مهمی در پیشبرد تحقیقات زیست‌پذیری دارد. زیرساخت‌های اجتماعی و کالبدی، مثل میزان مصرف آب، نوع مالکیت زمین، امنیت و سلامت، عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری یک مکان اند.

1. Larice
2. Dunstan
3. Harman shah

ادامه جدول ۱. خلاصه برخی مطالعات خارجی انجام‌گرفته درباره زیست‌پذیری

محقق	سال	عنوان	هدف	روش	مکان	نتیجه
لـولبی ^۱ و همکاران	۲۰۱۰	ابعاد و ویژگی‌های زیست‌پذیری و اهمیت آنها از نگاه ساکنان	اول: مشخص کردن ابعاد و ویژگی‌هایی برای ارزیابی میزان زیست‌پذیری از دید ساکنان. دوم: ارزیابی اهمیت این ابعاد و ویژگی‌ها	کیفی	مالزی	ابعاد زیست‌پذیری عبارتند از بعد اجتماعی، کالبدی، عملکردی و امنیت. از این میان مهم‌ترین بعد از نگاه ساکنان امنیت و کم‌اهمیت‌ترین آنها بعد اجتماعی است.
فیض ^۲ و همکاران	۲۰۱۲	نقش جاده‌های روستایی پایدار بر زیست‌پذیری روستاها	تبیین زیست‌پذیری و پایداری و مطالعه رابطه میان پایداری جاده و تأثیر آن بر زیست‌پذیری روستا	کمی و کیفی	مالزی	کیفیت و میزان پایداری جاده‌های یک سکونتگاه تأثیر مستقیمی بر فراهم آوردن شرایط زیست‌پذیری و ارتقای آن سکونتگاه دارد.
مک‌کرا ^۳	۲۰۱۲	اثرات انسجام شهری بر زیست‌پذیری شهری: مقایسه حومه‌های داخلی و خارجی شهر بریسان	درک بهتر اثر شکل شهری منسجم بر زیست‌پذیری محلات	کمی	استرالیا	زیست‌پذیری در دو حومه در برخی موارد مشابه و در برخی موارد متفاوت است. لذا نکته مهم، توجه به شرایط محلی هر حومه است که نقش مهمی در برنامه‌ریزی دارد.
نیوتن ^۴	۲۰۱۲	زیست‌پذیری و پایداری؟ چالش‌های تکنیکی - اجتماعی شهرهای قرن بیستم	سنجش میزان پایداری شهرهای زیست‌پذیر استرالیا	کمی	استرالیا	بسیاری از زیرساخت‌های اصلی شهر که باعث زیست‌پذیری شهرهای استرالیا شده است، از منابع ناپایدار تأمین می‌شود و به عبارتی، پایدار نیست.
شمس‌الدین و همکاران	۲۰۱۳	زیست‌پذیری مرکز شهر کوالالمپور: ارزیابی سطح رضایت از فعالیت‌های خیابان	ارزیابی نقش فعالیت‌های خیابان در زیست‌پذیر کردن شهر کوالالمپور	کمی	مالزی	میان زیست‌پذیری و فعالیت‌های خیابان رابطه وجود دارد، اما ارتباط مشخصی میان مدت اقامت ساکنان خیابان‌ها با سطح رضایت آنها نسبت به فعالیت‌های خیابانی وجود ندارد.

1. Lau Leby

2. Faiz

3. Maccera

4. Newton

ادامه جدول ۱. خلاصه برخی مطالعات خارجی انجام‌گرفته درباره زیست‌پذیری

محقق	سال	عنوان	هدف	روش	مکان	نتیجه
بدلند و همکاران	۲۰۱۴	زیست‌پذیری شهری: درس‌هایی از استرالیا برای کشف شاخص‌های اندازه‌گیری سلامت اجتماعی	۱. جمع‌آوری تعاریف زیست‌پذیری شهری و ویژگی‌های اجتماعی سلامت ۲. ترکیب شاخص‌های مختلف زیست‌پذیری ۳. ارزیابی کیفیت زیست‌پذیری آنها با لنز سلامت و رفاه انسانی	کیفی	استرالیا	۱۱ حوزه کلی در ارتباط با سلامت اجتماعی و رفاه مشخص گردید و ارتباطشان با سلامت و رفاه تأیید شد، که عبارتند از: جرم و امنیت، آموزش، شغل و درآمد، سلامت و خدمات اجتماعی، مسکن، تفریح و فرهنگ، غذای محلی و دیگر کالاها، محیط طبیعی، فضای باز عمومی، حمل‌ونقل و انسجام اجتماعی و دموکراسی محلی.

مأخذ: مطالعات تحقیق؛ برگرفته از منابع محققان، ۱۳۹۴.

جدول ۲. خلاصه پژوهش‌های انجام‌گرفته داخلی درباره زیست‌پذیری

محقق	سال	عنوان	هدف	روش	مکان	نتیجه
بندرآباد	۱۳۸۹	تدوین اصول الگوی توسعه فضایی و شکل شهر زیست‌پذیر ایرانی	معرفی عوامل کلیدی تأثیرگذار بر شکل شهر و زیست‌پذیری	کمی و کیفی	مناطق ۱، ۱۵ و ۲۲ تهران	مدیریت شهری، الگوی تاریخی و چشم‌انداز طبیعی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری شهراند. در شهر ایرانی، فشردگی رابطه عکس با زیست‌پذیری دارد.
روشن	۱۳۹۱	تدوین الگوی جامع برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری با تأکید بر ارتقای زیست‌پذیری و تحقق عدالت محیطی	ارائه الگوی ارزیابی و برنامه‌ریزی کاربری اراضی با تأکید بر زیست‌پذیری و عدالت فضایی	کیفی	قزوین	کاربری اراضی، اختلاط کاربری و تنوع کاربری، همسویی کاربری‌ها با حمل‌ونقل، وجود فضاهای شهری فعال، عدم وجود اراضی بایر و متروکه، شاخص‌های مؤثر بر زیست‌پذیری و توزیع مقادیر دسترسی و توزیع اقشار درآمدی، معیار سنجش عدالت است.
خراسانی	۱۳۹۲	تیین زیست‌پذیری روستاهای پیرامون شهری با رویکرد کیفیت زندگی	شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر زیست‌پذیری روستایی	کمی و کیفی	روستاهای ورامین	ابعاد اقتصادی و اجتماعی زیست‌پذیری در حد متوسط و بعد زیست‌محیطی در وضعیت نامطلوب قرار دارد. در مجموع، وضعیت زیست‌پذیری روستاها غیر قابل قبول است. آگاهی مدیران نسبت به زیست‌پذیری و شاخص‌های آن و حرکت در جهت برنامه‌ریزی و مدیریت محلی در حل مشکلات، مهم‌ترین عوامل تفاوت بین روستاها است.

ادامه جدول ۲. خلاصه پژوهش‌های انجام‌گرفته داخلی درباره زیست‌پذیری

محقق	سال	عنوان	هدف	روش	مکان	نتیجه
فلاح منشادی	۱۳۹۲	بازآفرینی فضاهای شهری با رویکرد رویدادمدراری و حیات واقعه‌ای، به منظور تقویت سرزندگی و ارتقای کیفیت زیست‌پذیری	تقویت سرزندگی و ارتقای کیفیت زیست‌پذیری	کیفی	محور دروازه قرآن تا شاهچراغ شیراز	اتخاذ راهبردهای مبتنی بر استفاده از منابع درونی شهرها (فضاهای شهری، فرهنگ، تاریخ، آداب و رسوم، مهارت‌ها و...) به عنوان راهبردی پایدار و مؤثر می‌تواند باعث زیست‌پذیری و ارتقای کیفیت محیط شود.
عبسی لو و همکاران	۱۳۹۳	انگاره زیست‌پذیری رهیافتی نوین برای ارتقای کیفیت زندگی در جوامع روستایی	شناسایی شاخص‌های جوامع روستایی زیست‌پذیر	کمی	بخش کهک قم	شاخص‌های اقتصادی نظیر شغل، سطح درآمد و میزان پس‌انداز، تأثیر بسزایی در زیست‌پذیری نواحی روستایی دارد.
جعفری اسدآبادی	۱۳۹۳	قابلیت زیست‌پذیری شهرها در راستای توسعه پایدار شهری	بررسی زیست‌پذیری در راستای توسعه پایدار	کمی و کیفی	مناطق ۲۲ گانه تهران	زیست‌پذیری کلان‌شهر تهران در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در حد متوسط رو به پایین است و با روند کنونی به سمت توسعه پایدار پیش نخواهد رفت.
احمدی	۱۳۹۳	ارزیابی شاخص‌های کیفیت زندگی با تأکید بر اصول شهر زیست‌پذیر	سنجش میزان زیست‌پذیری	کمی و کیفی	منطقه ۲۲ تهران (شهرک گلستان)	شاخص‌های عینی (مانند مسکن) نسبت به شاخص‌های ذهنی (رضایت) وضعیت بهتری دارند.
لطفی	۱۳۹۳	نقش مقاوم‌سازی مسکن روستایی در زیست‌پذیری روستا	نقش مقاوم‌سازی مسکن بر زیست‌پذیری روستا	کمی و کیفی	دهستان مهرویه، کرمان	مقاوم‌سازی مسکن با افزایش تمایل به ماندگاری در روستا و جلوگیری از مهاجرت، باعث افزایش زیست‌پذیری می‌شود و همچنین باعث ایجاد آرامش روحی- روانی، بهبود امنیت و ارتقای سطح اجتماعی می‌گردد.
علیزاده	۱۳۹۳	سنجش عوامل زیست‌پذیری با تأکید بر رویکرد مشارکت	دستیابی به مدل ارزیابی زیست‌پذیری با تأکید بر نقش مشارکت	کمی و کیفی	محله بریانک، منطقه ۱ شهرداری تهران	فاکتورهای زیست‌پذیری چون فضاهای عمومی، انسجام اجتماعی، تعلق به جامعه، مسکن با کیفیت و دسترسی پیاده، تأثیر مستقیم بر مشارکت دارد و از نظر ساکنان محل، مکان‌های عمومی و انسجام اجتماعی بالاترین اولویت را دارند.

مأخذ: مطالعات تحقیق، برگرفته از منابع محققان، ۱۳۹۴.

مفهوم زیست‌پذیری

با کمی تأمل، به راحتی می‌توان دریافت که در اطراف ما فاجعه‌ای در حال وقوع است که شاید کمتر مورد توجه رسانه‌ها، سیاستمداران، یا شهروندان عادی قرار گرفته است. قسمتی از این بحران مربوط به توسعه فیزیکی گسترده‌ای است که زمین‌های اطراف شهرها را به سرعت می‌بلعد و بخشی از آن به ازدحام ترافیک و غلبه خودروی شخصی مرتبط است. چالش تهیه مسکن مناسب از لحاظ قیمت و طراحی، دسترسی نابرابر به مدارس و امکانات آموزشی، مراقبت‌های بهداشتی و بسیاری مسائل دیگر، تنها بخش‌هایی از این فاجعه اند. بنابراین، در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که از جنبه‌های بوم‌شناسی، اجتماعی و فرهنگی آسیب بسیار دیده است و نیازمند چاره‌جویی اساسی و سریع است. از آنجا که شرایط ذکر شده، شرح اوضاع و وضعیت بسیاری از شهرهای معاصر است، راهکارهای گوناگونی برای مواجهه با آن ارائه شده است. یکی از آنها زیست‌پذیری است که با تکامل اولویت‌های برنامه‌ریزی و اهمیت پاسخ به نیازهای در حال افزایش جامعه پسا صنعتی که در جست‌وجوی تسهیلات، امکانات و کیفیت زندگی بالاتر و بیشتر است، رونق گرفته است. به عبارت دیگر، به دلیل آگاهی از خطراتی مثل رشد سریع جمعیت، ازدحام و شلوغی، از بین رفتن زمین‌های کشاورزی و فضاهای باز، کمبود مسکن معقول و مناسب، افزایش نابرابری‌های اجتماعی و از بین رفتن حس تعلق به مکان، هویت مکانی و زندگی اجتماعی که کیفیت زندگی جوامع را تهدید می‌کنند، زیست‌پذیری به وجود آمده و رشد کرده است (Wheeler, 2001: 9). بنابراین، هم‌زمان هم از طرف مردم محلی و هم از جانب برنامه‌ریزان برای ایجاد فضاهای زندگی پایدارتر، کاربردی‌تر و لذت‌بخش‌تر مورد حمایت قرار گرفته است، زیرا محلات زیست‌پذیر، حس بیشتری از تعلق به جامعه و مکان را القا می‌کنند و میزان مهاجرت از آنها نیز کم است. از این رو، برنامه‌ریزان در همه سطوح به‌طور فزاینده‌ای به زیست‌پذیری به عنوان استراتژی تجدید حیات محله، توسعه مجدد، تأمین مسکن قابل قبول، حفاظت از محیط زیست، بهبود امنیت و کاهش نرخ جرم و جنایت علاقه‌مندند (Larice, 2005: 91-92). بر همین اساس، گادشاک^۱ زیست‌پذیری را یکی از ایده‌های آرمانی و بزرگ برنامه‌ریزی شهری معاصر می‌داند که دولت‌ها، شهرداری‌ها، دولت‌های محلی و گروه‌های بسیاری در مکان‌های مختلف از جمله: نورث پالمرستون^۲ در نیوزیلند، سیدنی در استرالیا، ژوهانسبورگ در آفریقای جنوبی، لندن در انگلیس، پورتلند در ارگون، توسان^۳ در آریزونا، آتلانتا و جرجیا و بسیاری شهرهای مهم دیگر در سراسر جهان آن را در دستور کار خود قرار داده‌اند (NARC, 2002: 5).

اما با وجود اجماع در زمینه اهمیت و اجتناب‌ناپذیری زیست‌پذیری، تنوع گسترده‌ای از تعاریف برای آن وجود دارد و بیشتر محققان آن را دشوار برای تعریف و اندازه‌گیری بیان کرده‌اند. چنان‌که ساوتورث آن را مفهومی نسبتاً مبهم، لکن مورد تأیید همه می‌داند که به صورت‌های گوناگون تفسیر شده است (Southworth, 2004: 33).

با وجود این، آنچه همواره در تعریف زیست‌پذیری بر آن تأکید شده است، در نظر گرفتن کلیت آن است. چنان‌که

1. Godschalk
2. North Palmerston
3. Tucson

ریسینزکی^۱ در بیان اهمیت کلیت زیست‌پذیری آن را به یک پیاز تشبیه کرده است. بنا بر تعییر او، زیست‌پذیری همچون پیاز است؛ در ظاهر ساده، اما متشکل از لایه‌های متعدد است. اگر به هر لایه جداگانه و مجزا از دیگر لایه‌ها نگرینسته شود، کلیت آن از دست می‌رود (Van kamp, 2003: 6). در ادامه، نمونه‌هایی از تعاریف به اجمال آورده شده تا ضمن نشان دادن تنوع موجود، به تعریف، درک و بینشی جامع‌تر کمک کند.

جدول ۳. برخی از تعاریف ارائه‌شده دربارهٔ زیست‌پذیری و شهر زیست‌پذیر

پژوهشگر	تخصص	مکان	سال	تعریف
پسیون ^۲	جغرافیا	انگلستان	۱۹۹۰	زیست‌پذیری کیفیتی است که ذاتی محیط نیست، بلکه تابع رفتار متقابل میان ویژگی‌های محیطی و خصوصیات فردی است.
وینهون ^۳	روان‌شناس	هلند	۱۹۹۶	زیست‌پذیری انطباق امکانات یک کشور با نیازهای شهروندان است و جامعهٔ زیست‌پذیر، جامعه‌ای است که به تأمین نیازهای افراد خود بی‌اعتنا نباشد.
هورتولانوس ^۴	جامعه‌شناس	هلند	۱۹۹۶	زیست‌پذیری مجموعهٔ شرایطی است که در آن یک فرد قادر به زندگی روزمره است.
هالوگ ^۵	جغرافیا	امریکا	۱۹۹۷	شهر زیست‌پذیر شهری است که مردمش زندگی سالمی در آن دارند و شهری است برای همه. به این معنا که برای کودکان، سالمندان، معلولان، یا افرادی که در آن کار می‌کنند، اما در حومه زندگی می‌کنند؛ جذاب، ارزشمند و امن است.
سالزانو ^۶	جغرافیا	ایتالیا	۱۹۹۷	شهر زیست‌پذیر شهری است که در آن ارتباط بین گذشته و آینده وجود دارد، زیرا به گذشتگان و آیندگان احترام می‌گذارد، با اتلاف منابع طبیعی، مبارزه و برای حفظ آنها برای نسل بشر تلاش می‌کند. ابعاد فیزیکی و اجتماعی آن برای رفاه و پیشرفت اجتماع با هم همکاری می‌کنند و فضاهای عمومی در آن، کانون زندگی اجتماعی جامعه است.
ووکمان و وویچیک ^۷	حمل‌ونقل	امریکا	۱۹۹۹	زیست‌پذیری دربرگیرندهٔ عناصر مسکن، محله و ناحیهٔ مادرشهری است که جملگی در امنیت، فرصت‌های اقتصادی و رفاه، سلامت، راحتی، جابه‌جایی و تفریح مردم شهر مؤثرند.

1. Rybczynski
2. Pacione
3. Veenhoven
4. Hortulanus
5. Hahlweg
6. Salzano
7. Vukan Vuchic

ادامه جدول ۳. برخی از تعاریف ارائه شده دربارهٔ زیست‌پذیری و شهر زیست‌پذیر

پژوهشگر	تخصص	مکان	سال	تعریف
نیومن ^۱	جغرافیا	استرالیا	۱۹۹۹	زیست‌پذیری مجموعه الزامات انسانی است که باعث رفاه اجتماعی، سلامت و رفاه مردم می‌شود و دربرگیرندهٔ رفاه فردی و جامعه است.
داون داک و ولدبوئر ^۲	جامعه‌شناسی	هلند	۲۰۰۰	زیست‌پذیری را پیوند میان رفاه و اجتماع می‌دانند.
موسسه ملی بهداشت و محیط زیست هلند ^۳	محیط زیست	هلند	۲۰۰۰	زیست‌پذیری را درک مطلوب مردم از محیط زندگی روزمره تعریف می‌کند.
مارثمن و لیدمیجر ^۴	محیط زیست	هلند	۲۰۰۱	ارزیابی مطلوب ساکنان از محیط زندگی را اساس زیست‌پذیری می‌دانند.
ایوانز ^۵	جغرافیا	استرالیا	۲۰۰۲	زیست‌پذیری سکه‌ای است که دو رو دارد: معیشت یک روی آن و پایداری بوم‌شناختی روی دیگر آن است. بنابراین، شهر زیست‌پذیر باید هر دو روی سکه را با هم داشته باشد و معیشت شهروندان را در کنار حفاظت از کیفیت محیط زیست آنها تأمین کند.
تروث بی ^۶	اقتصاد	استرالیا	۲۰۰۵	زیست‌پذیری مجموعهٔ ویژگی‌هایی است که محیط شهر را به مکانی جذاب برای زندگی تبدیل می‌کند. این ویژگی‌ها می‌تواند به ویژگی‌های قابل لمس (دسترسی به زیرساخت‌های شهری) و ویژگی‌های غیر قابل لمس (حس مکان، هویت محلی و...) تقسیم شود.
عبدالصمد هادی	جغرافیا	مالزی	۲۰۰۵	زیست‌پذیری به رفاه فیزیکی، اجتماعی و روانی کمک می‌کند و باعث توسعهٔ فردی همهٔ ساکنان یک شهر، روستا یا منطقه می‌شود و اصول کلیدی آن مشتمل بر عدالت، کرامت، دسترسی، صمیمیت، مشارکت و توانمندسازی است.
رابرت کوآن ^۷	شهرسازی	انگلستان	۲۰۰۵	شهر زیست‌پذیر شهری مناسب برای زندگی و فراهم‌آورندهٔ کیفیت مطلوب زندگی است.
هیلن ^۸	اقتصاد	بلژیک	۲۰۰۶	زیست‌پذیری به نگاه فرد به محیط زیستش مرتبط است و لذا دربرگیرندهٔ ارزیابی ذهنی فرد از کیفیت محل زندگی است.

1. Newman
2. Duyvendak & Veldboer.
3. RIVM
4. Marsman & Leidemeijer
5. Evans
6. Throsby
7. Robert Cowan
8. Heylen

ادامه جدول ۳. برخی از تعاریف ارائه شده درباره زیست‌پذیری و شهر زیست‌پذیر

پژوهشگر	تخصص	مکان	سال	تعریف
شهرالدین	جغرافیا	مالزی	۲۰۰۸	شهر زیست‌پذیر تأمین‌کننده مسکن و فضای زندگی برای همه گروه‌های قومی، برای کار و زندگی در کنار هم، مکانی جذاب، پویا، سالم و امن و تأمین‌کننده نیازهای اساسی زندگی همه مردم است. این شهر همچنین تضمین‌کننده کیفیت مطلوب زندگی در فعالیت‌های اجتماعی، اماکن عمومی جذاب، حفظ حریم خصوصی، سلامت اقتصادی، اجتماعی و سرزندگی زیست‌محیطی است.
فرهنگ لغت وبستر، آکسفورد و فرهنگ آنلاین دانشگاه پرینستون	عمومی	امریکا	۲۰۱۰	زیست‌پذیری به معنای مناسب برای زندگی بشر آمده است.
لو لیبی	جغرافیا	مالزی	۲۰۱۰	مجموعه ویژگی‌های محیط شهری که آن محیط را مکانی جذاب برای زندگی می‌کند، زیست‌پذیری نامیده می‌شود.
مرکز شهرهای زیست‌پذیر سنگاپور		سنگاپور	۲۰۱۱	شهر زیست‌پذیر شهری با برنامه‌ریزی خوب، محیطی جذاب و امن برای زندگی، کار و تفریح، دربرگیرنده حکمروایی خوب، اقتصاد رقابتی، کیفیت بالای زندگی و پایداری زیست‌محیطی است.
واحد اطلاعات اکونومیست ^۱	تخصص‌های گوناگون	اروپا	۲۰۱۰۲	شهر زیست‌پذیر می‌تواند به کیفیت بالای زندگی کمک کند، شیوه زندگی و وضعیت سلامتی شهروندان را تحت تأثیر قرار دهد و نشان‌دهنده ثبات محیط ساخته شده باشد.
مک کرا و همکاران	علوم اجتماعی	استرالیا	۲۰۱۲	زیست‌پذیری بخشی از کیفیت کلی زندگی ساکنانی است که در محیط‌های شهری زندگی می‌کنند.
فیض و همکاران	جغرافیا	مالزی	۲۰۱۲	زیست‌پذیری زیرمجموعه‌ای از پایداری است که به‌طور مستقیم زندگی مردم را در دسترسی به شغل و فرصت‌های اقتصادی، مسکن بادوام (پایدار در برابر بلایای طبیعی)، تهیه آب آشامیدنی، برق، فناوری اطلاعات و ارتباطات، مدارس با کیفیت، خدمات بهداشتی قابل اعتماد و... تحت تأثیر قرار می‌دهد.
محمودی و دیگران	جغرافیا	مالزی	۲۰۱۵	زیست‌پذیری بهبود کیفیت فضاهای شهری در شهرهای مدرن همراه با انسانی کردن آنها تا حد ممکن است.

مأخذ: مطالعات تحقیق، برگرفته از منابع محققان، ۱۳۹۴.

مرور تعاریف ارائه‌شده نشان می‌دهد، هرچند تاکنون اجماع نظر در تعریف زیست‌پذیری به‌وجود نیامده است، اما در تعاریف ارائه‌شده مشترکاتی چون تأمین رفاه و رضایت ساکنان، کیفیت زندگی، تأمین نیازهای گوناگون، دستیابی به زندگی مطلوب و رضایت‌بخش و... به چشم می‌خورد. به عبارت دیگر، مجموعه ویژگی‌های عینی و ذهنی که جذابیت و مطلوبیت یک مکان را عرضه می‌کنند، زیست‌پذیری تلقی شده است. بدیهی است این عوامل می‌توانند در مکان‌های مختلف، متفاوت باشند. بنابراین ارائه تعاریف متعدد و مختلف ریشه در این مهم دارد که نیازها و مسائل مکان‌های گوناگون، متفاوت است و از آنجایی که راه‌حل مسائل و مشکلات از مکان و زمینه‌ای که در آن قرار دارد بر می‌خیزد، این راه‌حل‌ها نیز با یکدیگر متفاوت اند. از این رو، باید به اقلیم محلی، محیط زیست، منابع، نهادها، فرهنگ، اقتصاد و مردم محلی و نیازها و خواسته‌های آنها توجه دقیق داشت. با وجود این، نظر به اینکه بسیاری از چالش‌های امروز در جهان معاصر، مشابه اند، می‌توان راه‌حل‌ها را نیز به اشتراک گذاشت.

با توجه به تعاریف ذکرشده، می‌توان گفت زیست‌پذیری زیرمجموعه‌ای از پایداری است که مستقیماً بر ابعاد فیزیکی، اجتماعی - اقتصادی و روانی زندگی مردم تأثیر می‌گذارد و دربرگیرنده مجموعه‌ای از ویژگی‌های اکتسابی محیط است که آن را به مکانی مطلوب، مناسب و جذاب برای زندگی، کار و بازدید همه مردم تبدیل می‌کند. این ویژگی‌ها به دو دسته عینی (دسترسی به زیرساخت‌های شهری، امنیت، گزینه‌های مختلف جابه‌جایی و حمل‌ونقل، مسکن، سلامت و امکانات بهداشتی، تفریح، فضاهای عمومی جذاب و فرصت‌های اقتصادی) و ذهنی - روانی (حس تعلق به مکان، هویت محلی، سرمایه اجتماعی، هم‌بستگی، عدالت، صمیمیت و راحتی) طبقه‌بندی می‌شود.

دیدگاه‌های تأثیرگذار بر زیست‌پذیری

مطالعه و تحلیل تعاریف ارائه‌شده در زمینه زیست‌پذیری نشان می‌دهد که این مفهوم با برخی مفاهیم و رویکردها همچون پایداری، روستا شهری^۱، کیفیت زندگی^۲ و رشد هوشمند^۳ و نوشهرگرایی^۴ هم‌پوشانی دارد، زیرا جملگی به عنوان پاسخ‌هایی انتقادی به سیاست‌های شهری نامطلوب و اثرات جانبی منفی آن مثل: توسعه پراکنده، ازدحام، آلودگی، معضل بزرگراه‌ها، مسکن عمومی ضعیف، طراحی‌های نابجا و... توسعه یافته‌اند و جنبه‌های مشترکی با زیست‌پذیری دارند. برای روشن‌تر شدن ابعاد و جنبه‌های مشترک این جنبش‌ها به اختصار هر کدام را معرفی می‌کنیم.

الف) پایداری

توسعه پایدار شهری به نقل از پیتروال، شکلی از توسعه امروزی است که توان توسعه مداوم شهرهای امروزی و جوامع شهری نسل‌های آینده را تضمین کند. از نظر کالبدی، توسعه پایدار شهری یعنی تغییراتی در کاربری زمین و سطوح

1. Urban Village
2. Quality of Life
3. Smart Growth
4. New Urbanism

تراکم، برای رفع نیازهای ساکنان شهر در زمینه مسکن، حمل‌ونقل، اوقات فراغت و غذا به عمل آید تا در طول زمان شهر را از نظر زیست‌محیطی قابل سکونت و زندگی (هوای پاک، آب آشامیدنی سالم، اراضی و آب‌های سطحی و زیرزمینی بدون آلودگی)، از نظر اقتصادی بادوام (اقتصاد شهری هماهنگ با تغییرات فنی و صنعتی برای حفظ مشاغل پایه‌ای و تأمین مسکن مناسب و در حد استطاعت ساکنان، با بار مالیاتی عادلانه) و از نظر اجتماعی به هم پیوسته (هم‌بستگی اجتماعی و احساس تعلق شهروندان به میراث‌های شهر) نگه دارد (موسی کاظمی، ۱۳۷۸: ۱۰۴).

از یک دیدگاه، مفاهیم زیست‌پذیری و پایداری با هم تفاوت دارند. مثلاً پایداری بر پایه سه فاکتور زیست‌محیطی، اقتصادی و برابری در مقیاس کلان و با تأکید بر نسل آینده است، در حالی که زیست‌پذیری بر کیفیت مطلوب زندگی، زمان و مکان حال حاضر تأکید دارد. در همین راستا، گادشاک (۲۰۰۴)، اظهار می‌دارد که زیست‌پذیری بر بهبود کیفیت زندگی، ارزش‌های اجتماعی و اقتصادی موجود و نسل حاضر بیشتر از نسل آینده تأکید دارد. با وجود این، بسیاری از صاحب‌نظران موافقند که مفاهیم زیست‌پذیری و پایداری در عمل با هم هم‌پوشانی دارند. رو و رونی^۱ بر این باورند که با وجود اینکه زیست‌پذیری و پایداری در مقیاس‌های متفاوت عمل می‌کنند، اما هر دو توسعه اقتصادی، محیط زیست پایدار، گزینه‌های حمل‌ونقل، برابری اجتماعی و سلامت انسانی را مرکز توجه قرار می‌دهند (NARC, 2003: 10). برخی از محققان نیز بر این باورند که اصول زیست‌پذیری در حقیقت راه رسیدن به اهداف کلی پایداری است. مهم‌تر از اینها، نکته‌ای است که دوچازل (۲۰۱۰)، در ارتباط با تفاوت معنای این دو مفهوم مطرح می‌کند. وی چارچوب زمانی را مهم‌ترین بعد متصور برای تدقیق معنای هر یک از این مفاهیم دانسته است و بر این مبنا می‌گوید: زیست‌پذیری عبارت است از وضعیت خواسته‌ها در ارتباط با رضایت از زندگی در یک مکان خاص برای یک فرد یا گروه از افراد؛ اما پایداری، ظرفیت تحقق خواسته‌ها برای یک فرد یا گروهی از افرادی زمان است. در واقع، پایداری مفهومی است که مانند چتری برای مفاهیم و اهداف متفاوت و متنوعی، از جمله زیست‌پذیری عمل می‌کند (خراسانی، ۱۳۹۳: ۹۱).

همچنین برخلاف توسعه پایدار، زیست‌پذیری عوامل و فرایندهای ناظر بر جامعه را نه در لایه‌های گذشته، بلکه در وضع موجود آن جست‌وجو می‌کند و از این منظر، با پایداری تفاوتی اساسی دارد. از این رو، این دو مفهوم لزوماً یکسان نیستند. اگرچه برخی مشابهت‌ها و اهداف مشترک وجود دارد، اما ویلر نشان می‌دهد حتی در این موارد نیز تفاوت‌هایی وجود دارد؛ برای مثال، بهبود قلمرو پیاده‌محور یکی از اهداف هر دو مفهوم پایداری و زیست‌پذیری است، اما دلایل هر کدام برای این هدف مشترک، متفاوت است. در پایداری دلایل بهبود پیاده‌روی عبارتند از: کاهش استفاده از اتومبیل و آلودگی، افزایش پیاده‌روی و خرید از مغازه‌های محلی و ارتقای گزینه‌های حمل‌ونقل برای استفاده کمتر از اتومبیل. در زیست‌پذیری هدف از ارائه شرایط پیاده‌روی لذت‌بخش‌تر، کمک به رفاه شخصی، بهبود ارزش املاک، بهبود امنیت شخصی، ارتقای سلامتی عابران و ساکنان، فضاهای عمومی سرزنده‌تر و کمک به حس مکان است (Larice, 2005: 73).

ب) دیدگاه روستا شهری

این جنبش که در اواخر دهه ۱۹۸۰ از کشور انگلستان آغاز شد و در بسیاری جهات موازی با جنبش امریکایی نوسهرگرایی است؛ به عبارت دیگر، بر ویژگی‌های زندگی شهری سنتی در روستاها و محدوده محلات متراکم و کاهش افت بخش مرکزی شهر متمرکز شده است. روستاشهری همچنین طیف گسترده‌ای از نظریه‌های تاریخی درباره شهر، مثل نظریه ریموند آنوین، کلارنس پری، لوئیس مامفورد، جین جاکوبز و بسیاری دیگر از نظریه‌پردازان جدید مثل پیتر کلتورپ^۱ و لئون کرایر^۲ را در خود منعکس می‌کند. اصول این جنبش توسط تعدادی از طرفدارانش روشن شده است که مشتمل بر محیط‌های قابل پیاده‌روی و دوستانه، کاربری‌های ترکیبی، معماری متنوع، امکان سکونت و کار در یک مکان، مکان‌های خرید، امکانات آموزشی و بهداشتی و درجه‌ای از خودکفایی محله‌ای است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، ویژگی‌های این جنبش در بسیاری از خصایص با طراحی شهری سنتی مشترک است و می‌توان گفت اصول روستا شهری موازی اصول زیست‌پذیری است که با تمرکز بر برنامه‌ریزی محله‌ای و بهبود کیفیت زندگی شهری، نزدیک‌ترین جنبش به زیست‌پذیری در برنامه‌ریزی شهری است (Larice, 2005: 71-72).

ب) کیفیت زندگی

کیفیت زندگی مفهومی چند وجهی، نسبی و متأثر از زمان و مکان و ارزش‌های فردی و اجتماعی است که ابعاد عینی و ذهنی را مد نظر قرار می‌دهد (رضوانی و همکار، ۱۳۸۷: ۴). از این رو، از دیدگاه افراد و گروه‌های مختلف، به صورت گوناگون تعریف شده است. برخی آن را مترادف با زیست‌پذیری و برخی اندازه‌ای برای میزان جذابیت، رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی و... دانسته‌اند. بعضی نیز زیست‌پذیری را بخشی از کیفیت کلی زندگی دانسته‌اند (McCrea, 192: et al., 2012). واحد اطلاعات اکونومیست، زیست‌پذیری را عاملی می‌داند که به کیفیت بالای زندگی کمک می‌کند. این درهم‌تنیدگی و تشابه بسیار میان دو مفهوم زیست‌پذیری و کیفیت زندگی سبب شده است اغلب به جای هم به کار روند، اما تفاوت میان این دو را می‌توان در وجود امکانات محیط‌های ساخته‌شده و طبیعی (زیست‌پذیری) و تجربه و قضاوت (خوب، بد، یا بی‌تفاوت) کاربران پس از استفاده از آنها (کیفیت زندگی) عنوان کرد. از این رو، کیفیت زندگی موضوعی ذهنی است که با رفاه کلی و عمومی افراد در ارتباط است و زیست‌پذیری شرایط عینی است که در آن ملزومات اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی به منظور آسایش و رفاه درازمدت آحاد جامعه فراهم می‌گردد. بنابراین، این دو مفهوم در طول یکدیگر قرار دارند. به عبارت دیگر، کیفیت مطلوب زندگی تنها در سایه زیست‌پذیری در یک مکان محقق می‌شود (عیسی‌لو و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۱). در همین راستا، روگرسون بر این باور است که گرایش جدید در مطالعات مربوط به زیست‌پذیری، تأکید بر شرایط زندگی به جای تأکید بر رضایت از زندگی است (Hasan, 2007: 5). کیفیت زندگی درباره حالت و احساس یک شخص و زندگی شخصی اوست، حال آنکه یک شخص ممکن است در

1. Peter Calthorpe

2. Leon Krier

شهری که دارای بالاترین ردهٔ زیست‌پذیری باشد، زندگی کند، ولی کیفیت زندگی پایینی را به لحاظ زندگی فردی داشته باشد (خراسانی، ۱۳۹۱: ۵۱).

ت) رشد هوشمند

در اواسط دههٔ ۱۹۹۰، جنبشی به منظور هدایت و کنترل رشد شهری مورد توجه قرار گرفت که به نام رشد هوشمند شهرت یافت. این جنبش که از تلاش‌ها برای کنترل رشد بی‌رویهٔ شهری ریشه می‌گرفت، بر ترویج توسعهٔ شهری فشرده‌تر و از نظر اقتصادی کارآمدتر (با کاهش هزینه‌های زیرساخت و هدایت تسهیلات دولتی به سمت توسعهٔ مراکز شهری موجود (و نه حومه‌ها))، حفظ فضاهای عمومی، محدود کردن گسترش بیرونی شهرها، استفاده از فضاهای بدون استفادهٔ داخل شهر و بازطراحی جوامع و محله‌ها تمرکز داشت (ویلر، ۱۳۹۳: ۲۴). اغلب این رشد را ابزاری برای باززنده‌سازی محلات و مراکز شهری، بدون تأثیر منفی بر شرایط اجتماعی یا محیط زیست دانسته‌اند؛ شرایطی که از توسعه‌های فشرده و کاربری‌های مختلط در مناطق شهری حمایت کرده و در تقابل با توسعه‌های اتومبیل‌محور و پراکنده قرار می‌گیرد و به خلق جوامع قابل زیست و کاهش هزینه‌های خدمات عمومی منجر می‌شود. جان هاپکینز^۱ خلق جوامع زیست‌پذیر، تجدید حیات مراکز شهری و مناطق تجاری قدیمی را از اهداف اصلی این نوع رشد می‌داند و داوون^۲ رشدی را هوشمند می‌داند که دارای ویژگی‌هایی چون منطقه‌بندی مختلط، بازسازی و تجدید حیات مناطق قدیمی، کاهش استفاده از اتومبیل شخصی و حمایت از فضاهای باز باشد (قربانی و همکار، ۱۳۸۷: ۱۶۶-۱۶۵). با وجود این، اگرچه می‌توان گفت رشد هوشمند و زیست‌پذیری در بسیاری مفاهیم و اصول مورد تأکید با یکدیگر هم‌پوشانی دارند، اما تمرکز گستردهٔ رشد هوشمند بر مدیریت رشد شهر و بخش‌های داخلی و درونی شهر تا اندازه‌ای این دو مفهوم را از یکدیگر متمایز می‌کند. از این رو، شاید بتوان گفت رشد هوشمند ابزاری برای تحقق زیست‌پذیری و توسعهٔ جوامع پایدار است (Victoria transport institute, 2011: 56؛ خراسانی، ۱۳۹۳: ۹۱).

ج) نوشهرگرایی

جنبش مشهور به نوشهرگرایی، استراتژی متداول دیگری برای ایجاد جوامع جذاب‌تر، کارآمدتر و زیست‌پذیرتر است که زندگی‌های خرد مقیاس و انسان‌محور گذشته را در نظام برنامه‌ریزی فعلی تکوین و توسعه می‌دهد (صرافی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۰). این جنبش که در اوایل دههٔ ۱۹۹۰ ظهور یافت، واکنشی بود بر ضد فرم‌های توسعهٔ شهری بی‌رویه و هرز روی حومه‌ای با چشم‌اندازهای بی‌هویت و غیر قابل پیداروی، که تغییر و بهبود در طراحی را در سطوح مختلف به منظور ایجاد جوامع قابل پیداروی و زیست‌پذیرتر خواستار می‌شد (ویلر، ۱۳۹۳: ۲۳). تنوع در محله از طریق ایجاد خانه‌های گوناگون با قیمت‌های مختلف (Embry, 2009: 13)، بازگشت به روش‌های سنتی طراحی محله از جمله طراحی‌های

1. Jan Hapkinz (رئیس بخش اقتصادی موسسه بروکینگز)

2. Downen (عضو انجمن سلامت اکولوژیک امریکا)

کوچک مقیاس، ترکیب کاربری‌ها، تنوع امکانات حمل‌ونقل به جای تأکید بیش از اندازه بر اتومبیل شخصی و امکان پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری از اصول مورد تأکید این جنبش است (Vernon Foreman, 2009: 9). از این رو، نوشهرگرایی گزینه‌ای برای مقابله با پراکندگی شهری، زوال و پژمردگی، حمل‌ونقل خودرومحور، جدایی کاربری‌ها و عدم سرمایه‌گذاری در بخش مرکزی شهرهاست (M.Arch, 2002: 3) و بر این باور است که مردم در جوامع قابل پیاده‌روی با کاربری ترکیبی در مقایسه با افراد در جوامع حومه‌ای اتومبیل‌محور، سرمایه اجتماعی بالاتری دارند (Embry, 2009: 15)، زیرا کاربری مختلط میزان دسترسی به امکانات و خدمات شهری را افزایش و زیست‌پذیری و عدالت اجتماعی را بهبود می‌دهد (میرمقتدایی و همکاران، ۱۳: ۴۵)؛ بنابراین مجموعه اقداماتی است که یک جامعه را جذاب، مؤثر و زیست‌پذیر می‌کند (NARC, 2003: 27).

در مجموع، دیدگاه‌های پایداری، روستا - شهری، کیفیت زندگی، شهر هوشمند و نوشهرگرایی به‌طور آشکارا بر مسائل زیست‌پذیری تمرکز دارند. به عبارت دیگر، بر استراتژی‌های مختلف توسعه شهری که برخی از آنها مستقیماً با مفاهیم زیست‌پذیری مرتبط است، تأکید می‌کنند (Ibid, 67) و در حقیقت پشتیبان و حامی رویکرد زیست‌پذیری اند، زیرا همواره تلاش می‌کنند فراهم‌کننده بازده اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی و مهم‌تر از همه، زیست‌پذیری و سرزندگی باشند و هدف نهایی هر کدام، به نوعی دست یافتن به مکان و اجتماع زیست‌پذیر است.

شاخص‌های زیست‌پذیری

رویکرد زیست‌پذیری به طور کلی مفهومی پیچیده و نسبی است. پیچیده از آن رو که مسلماً عوامل متعددی در بهبود شرایط زندگی فرد و جامعه دخیل است و نسبی از آن جهت که احتمالاً اصول و مشخصه‌هایی که در یک جامعه به عنوان شرایط مطلوب در نظر گرفته می‌شود، ممکن است در جامعه و مکانی دیگر به صورتی متفاوت تعبیر شود (عیسی‌لو و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۹). بنابراین، انتخاب شاخص در زیست‌پذیری برای مطالعه وضعیت آن بسیار حیاتی و مهم است. شاخص‌ها از یک سو، ابزاری برای شناخت دقیق شرایط موجود در جامعه در یک مقطع زمانی اند و از سوی دیگر، نشان‌دهنده تصویر روندها و دگرگونی‌هایی که طی دوره مشخص رخ داده است. چنان‌که پیشتر گفته شد، اندازه‌گیری زیست‌پذیری در صورتی که بر اساس دانش و فرهنگ محلی هر مکان باشد، بسیار معنادارتر و مرتبط‌تر است. بر این اساس، توجه به مردم محلی هر مکان در مطالعه زیست‌پذیری از ضروریات است. معیارهای زیست‌پذیری همچنین با توجه به شرایط مکانی و زمانی مختلف، متفاوت اند. بنابراین، قابل تعویض با یکدیگر نیستند و باید توسط مردم در مکان‌ها و در مقیاس‌های زمانی مختلف مورد درک و سنجش قرار گیرند (U Pandey, 2013: 374).

در ادامه، برای دستیابی به اجماع نظر درباره شاخص‌های زیست‌پذیری، به شاخص‌های مورد توجه برخی از مهم‌ترین مطالعات انجام گرفته در زمینه زیست‌پذیری می‌پردازیم.

جدول ۴. شاخص‌های مورد استفاده پژوهشگران مختلف در بررسی زیست‌پذیری

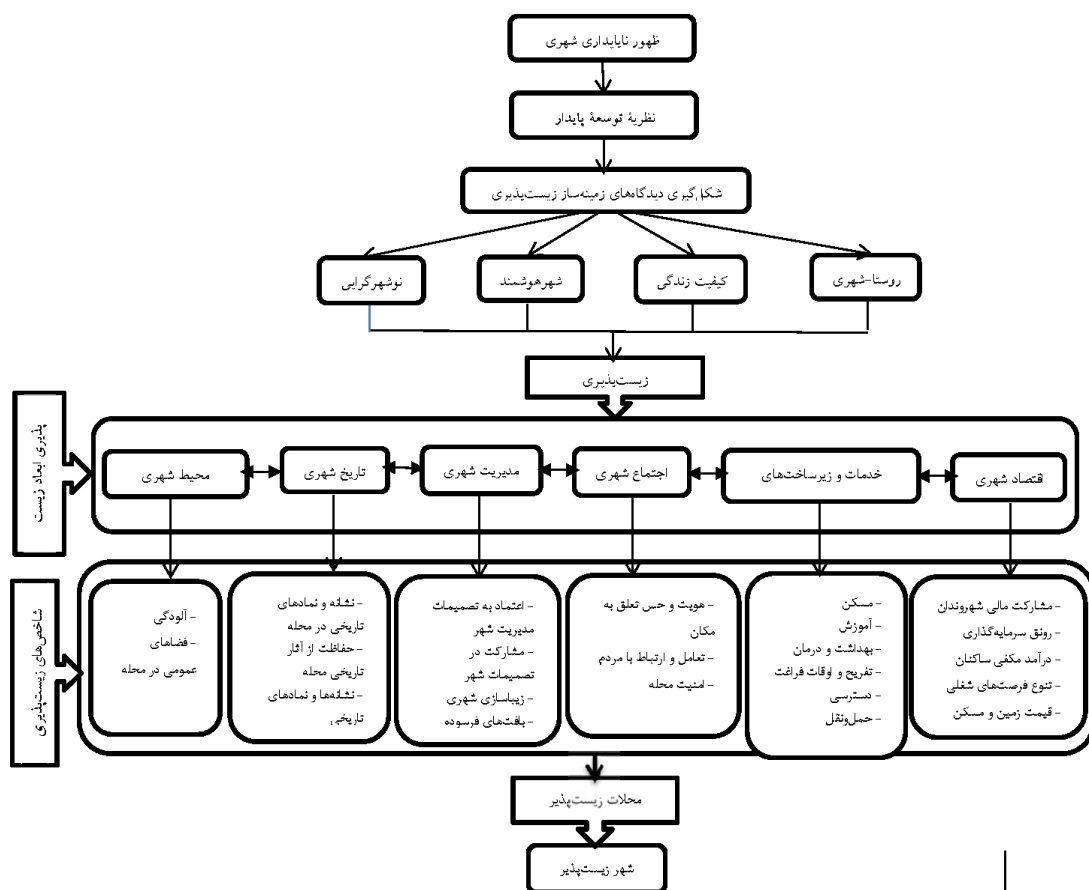
شاخص	پژوهشگر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	
مؤلف	پروژه فضاهای عمومی ^(۱۹۷۵)																											
موضوع	کثیرالمنزلت																											
پژوهشگر	کترینس بین‌المللی ساخت شهرهای زیست‌پذیر ^(۱۹۸۵)																											
پژوهشگر	هنری تارد ^(۱۹۹۷)																											
پژوهشگر	امونا ^(۱۹۹۸)																											
پژوهشگر	چارلز لاندی ^(۲۰۰۰)																											
پژوهشگر	پروژه ایجاد جوامع زیست‌پذیر در ایالات متحده آمریکا ^(۲۰۰۰)																											
پژوهشگر	هویت-چسین ^(۲۰۰۱)																											
پژوهشگر	ولتر ^(۲۰۰۱)																											
پژوهشگر	سائورت ^(۲۰۰۳)																											
پژوهشگر	باسلاوا ^(۲۰۰۴)																											
پژوهشگر	برنامه رشد هوشمند شهری اتاوا ^(۲۰۰۴)																											
پژوهشگر	لیمن ^(۲۰۰۴)																											
پژوهشگر	فوت نوزلند ^(۲۰۰۴)																											
پژوهشگر	انجمن معماران ایالات متحده ^(۲۰۰۵)																											
پژوهشگر	AARP ^(۲۰۰۵)																											
پژوهشگر	طرح وکسور ^(۲۰۰۵)																											
پژوهشگر	هیپن ^(۲۰۰۶)																											
پژوهشگر	مؤسسه حمل‌ونقل و کشوریا ^(۲۰۰۸)																											
پژوهشگر	لینگ و یو ^(۲۰۰۹)																											
پژوهشگر	هلوی و همکاران ^(۲۰۰۹)																											
پژوهشگر	دائرة حمل‌ونقل آمریکا ^(۲۰۱۰)																											
پژوهشگر	لویی و همکاران ^(۲۰۱۰)																											
پژوهشگر	سونگ ^(۲۰۱۱)																											
تعداد تکرار هر شاخص		۴	۶	۸	۶	۱۳	۶	۸	۱۱	۵	۶	۵	۴	۹	۶	۸	۵	۶	۲	۵	۶	۱۰	۱۴	۱۱	۲	۵	۶	

1. project of public space
2. International Making Cities Livable(IMCL)
3. omnia
4. Landry
5. Holt-Jensen
6. Wheeler
7. Southworth
8. Baslas
9. Ottawa County Planning Commission
10. Litman
11. American Institute of Architects(AIA)
12. Ling & Yuen
13. Howley
14. U.S. Department of Transportation
15. Song

مطالعه جدول تقسیم‌بندی شاخص‌های زیست‌پذیری نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی مربوط به تعاملات اجتماعی، کرامت و ارزشمندی مردم در جامعه است. دومین شاخص، امنیت است که در بیش از ۱۳ نمونه از مطالعات بررسی شده، به عنوان شاخص زیست‌پذیری در نظر گرفته شده است. اجتماعات محلی و مشارکت و همچنین گزینه‌های مختلف حمل‌ونقل، مطلوبیت و کارایی سیستم حمل‌ونقل و کیفیت آن، در رتبه سوم بالاترین فراوانی قرار گرفته‌اند. کمترین فراوانی مربوط به شاخص مدیریت شهری، کیفیت زندگی، سرزندگی و حفاظت از مرکز شهر است که هر کدام تنها در یک مطالعه موضوع بحث قرار گرفتند که در جدول نیامده است.

مرور جدول فوق و جمع‌بندی شاخص‌های آن نشان می‌دهد که ابعاد مختلف زیست‌پذیری همچون محیط‌های عملکردی، فیزیکی و اجتماعی که نشان‌دهنده درک مشترک مردم از کیفیت محیط زندگیشان است، در همه مطالعات مرکز توجه قرار گرفته است. بنابراین در انتخاب شاخص‌ها، سه گروه اصلی که مورد استفاده بیشتر محققان قرار گرفته‌اند، عبارتند از شاخص‌های عینی^۱، شاخص‌های ذهنی^۲ و شاخص‌های رفتاری^۳ (Marns, 2011: 43).

با توجه به بررسی تعاریف و شاخص‌های زیست‌پذیری، مدل مفهومی زیست‌پذیری از دیدگاه این مقاله به شرح زیر است:



نمودار ۱. مدل مفهومی زیست‌پذیری

1. Objective indicators
2. Subjective indicators
3. Behavioral indicators

نظر به مجموعه مباحث مطرح‌شده، شاخص‌ها و متغیرهای زیر برای مطالعه زیست‌پذیری پیشنهاد می‌شود:

جدول ۵. شاخص‌ها و متغیرهای زیست‌پذیری

ابعاد	شاخص‌ها	سنجه‌ها
محیط شهری	آلودگی	۱. آلودگی هوا، ۲. آلودگی صوتی، ۳. کیفیت جمع‌آوری زباله، ۴. کیفیت جمع‌آوری آب‌های سطحی، ۵. حیوانات مودی، ۶. آلودگی ناشی از فعالیت‌های کارگاهی و انبار، ۷. آلودگی محیط محله.
تاریخ شهری	فضاهای عمومی	۱. سرزندگی فضاهای عمومی، ۲. زیبایی و روشنایی فضاهای عمومی، ۳. جذابیت و کیفیت فضاهای عمومی، ۴. امنیت فضاهای عمومی، ۵. کیفیت پیاده‌روها، ۶. امنیت و سرزندگی پیاده‌روها.
مدیریت شهری	چشم‌انداز تاریخی	۱. ساختمان‌های تاریخی زیبا در محله، ۲. حفاظت شهرداری و سازمان میراث فرهنگی از آثار تاریخی محله، ۳. وجود نشانه‌ها و نمادهای خاص تاریخی در محله.
اعتماد، مشارکت و رضایت	اعتماد، مشارکت و رضایت	۱. اعتماد به تصمیمات شورای شهر و شهرداری، ۲. مشارکت در تصمیمات شورای شهر و شهرداری، ۳. معبر و خیابان‌های زیبا در محله، ۴. فرسودگی بافت محله
هویت و حس تعلق به مکان	هویت و حس تعلق به مکان	۱. حس تعلق به محله، ۲. شناخت و ارتباط با هم‌محله‌ای‌ها، ۳. دید مثبت نسبت به محله، ۴. تمایل به سکونت در محله، ۵. امیدوار به بهبود شرایط محله، ۶. برگزاری جشن در محله، ۷. برگزاری عزاداری در محله،
اجتماع شهری	تعامل و ارتباط با مردم	۱. روحیه کار گروهی میان مردم، ۲. احترام مردم محله به یکدیگر، ۳. عضویت در گروه‌ها و انجمن‌های محله، ۴. پذیرش مسئولیت در محله
امنیت	امنیت	۱. امنیت مردم در شب، ۲. امنیت مردم در روز، ۳. امنیت زنان و کودکان در محله، ۴. وجود ساکنان با سابقه کیفری در محله، ۵. وقوع جرایم در محله، ۶. امنیت وسایل نقلیه در خیابان، ۷. نزاع و درگیری در محله، ۸. عملکرد پلیس در محله.
مسکن	مسکن	۱. متراژ و مساحت مسکن، ۲. تعداد اتاق، ۳. نور و روشنایی مسکن، ۴. ایمنی مسکن در برابر حوادث (سیل و زلزله و...)، ۵. اشراف سایر مساکن به مسکن فرد.
خدمات و زیرساخت‌های شهری	آموزش	۱. کیفیت کادر آموزشی مدارس محله، ۲. کیفیت امکانات مدارس محله، ۳. وجود کلاس‌های تقویتی و کنکور با کیفیت مطلوب، ۴. کلاس‌های گذران اوقات فراغت در محله، ۵. کیفیت ساختمان مراکز آموزشی محله.
بهداشت و درمان	بهداشت و درمان	۱. وجود بیمارستان و درمانگاه در محله، ۲. کیفیت خدمات بیمارستان و درمانگاه محله، ۳. مرکز ترک اعتیاد و مشاوره در محله، ۴. کیفیت خدمات تخصصی درمانی در محله، ۵. عملکرد اورژانس ۱۱۵ در محله.
تفریح و اوقات فراغت	تفریح و اوقات فراغت	۱. پارک‌ها خوب در محله، ۲. فضای بازی امن و مناسب برای کودکان، ۳. سینما، ۴. کتابخانه در محله، ۵. موزه، ۶. رستوران در محله، ۷. فضا و امکانات ورزشی در محله، ۸. امکانات تفریحی و گذران اوقات فراغت مناسب در محله.

ادامه جدول ۵. شاخص‌ها و متغیرهای زیست‌پذیری

ابعاد	شاخص‌ها	سنجش‌ها
اقتصاد شهری	دسترسی	۱. دسترسی به مدارس، ۲. در دسترس بودن خدمات بهداشتی و درمانی همچون پزشک، داروخانه و مراکز درمانی، ۳. تنوع کالا و خدمات، ۴. فروشگاه‌های زنجیره‌ای و بزرگ، ۵. پاساژها و بازارهای محلی، ۶. تأمین مایحتاج روزانه در محله، ۷. بانک، ۸. دسترسی به اتوبان، ۹. دسترسی به سایر محلات شهر، ۱۰. دسترسی به محل کار، ۱۱. کیفیت آب، برق، گاز و اینترنت.
		حمل‌ونقل
اقتصاد شهری		۱. مشارکت مالی در پروژه‌های شهری، ۲. درآمد سرپرست خانوار، ۳. فرصت‌های شغلی در محله، ۴. سرمایه‌گذاری در محله، ۵. امکان خرید یا اجاره مسکن با قیمت مناسب در محله.

مأخذ: مطالعات تحقیق و استنتاج از منابع مختلف، ۱۳۹۴

نتیجه‌گیری

این مقاله بر پایه برخی از معتبرترین منابع علمی، تلاش کرده است تا مهم‌ترین تعاریف و شاخص‌های ارائه شده در زمینه زیست‌پذیری در جهان را معرفی کند؛ هر چند تعاریف و شاخص‌های ارائه‌شده برای زیست‌پذیری از یک اجتماع به اجتماع دیگر متفاوت است و از این رو رسیدن به نظری فراگیر در این زمینه دشوار می‌نماید. شاید به اجمال بتوان گفت یک شهر زیست‌پذیر، یک شهر موفق است؛ شهری که در آن معضلات زیست‌محیطی (آلودگی‌ها، هدر رفت منابع و...)، معضلات اجتماعی (نابرابری، بی‌هویتی و...)، معضلات اقتصادی (بیکاری، درآمد ناکافی و...) وجود ندارد، یا در کمترین حد ممکن است. علاوه بر این، ویژگی‌های زیر که به‌طور صریح یا ضمنی در چارچوب شاخص‌ها و متغیرهای مورد بحث این مقاله مفهوم می‌یابند و در یک مکان زیست‌پذیر محقق می‌شوند، عبارتند از: دسترسی مناسب و پیاده به زیرساخت‌ها، هوای پاک، مسکن مناسب، اشتغال، فضای سبز، تفریح و پارک، رستوران، فروشگاه و مرکز خرید، مطب پزشک و مراکز درمانی، مراکز آموزشی و مدارس و بسیاری موارد مشابه دیگر. این امر به ساکنان محلات کمک می‌کند تا راحت‌تر به محل کارشان برسند، یا در محلات نزدیک محل کارشان سکونت‌گزینند و از این طریق در وقت و هزینه‌ها صرفه‌جویی کنند، سبب کاهش آلودگی‌های محیطی شوند و زمان بیشتری را با خانواده و دوستان خود سپری کنند. در تصمیمات مدیریت شهری در جهت تأمین نیازهایشان مشارکت کنند و نسبت به مکان زندگی‌شان حس تعلق و دلبستگی دارند و با یکدیگر معاشرت می‌کنند. از این رو، مردم و مکان دو سوی قلمرو زیست‌پذیری قرار دارند. زیست‌پذیری بر تجربه انسان از مکان تأکید دارد و این تجارب را در ظرف مکان و زمان در نظر می‌گیرد. از این نظر، اتکای صرف بر داده‌های به‌دست‌آمده از مکان یا مردم به گمراهی و دور شدن از هدف زیست‌پذیری می‌انجامد. با این چشم‌انداز جوامعی که در زمینه زیست‌پذیری تلاش دارند و آن را به عنوان یک اصل راهنما در بهبود و توسعه محلات شان در نظر می‌گیرند، معمولاً به اصول زیر توجه و تأکید دارند:

۱. فراهم آوردن گزینه‌های متعدد و متنوع برای حمل‌ونقل (ارائه گزینه‌های پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری و حمل‌ونقل عمومی که موجب افزایش فعالیت بدنی، حفاظت از محیط زیست و کاهش ترافیک می‌گردد).
 ۲. بهبود وضعیت مسکن در محلات و فراهم آوردن فرصت‌های متنوع در این زمینه (تنوع موجب ایجاد محلات سرزنده و پویا و اقامت شهروندان متفاوت (از لحاظ اقتصادی و اجتماعی) در محلات می‌گردد).
 ۳. حمایت از جوامع موجود (از طریق ایجاد هویت محله‌ای، حس تعلق به مکان، تعاملات اجتماعی شهروندان، امنیت).
 ۴. سیاست‌های مدیریت شهری (تشویق توسعه کاربری‌های مختلط، حفاظت از منابع محیطی، حفاظت از چشم‌اندازهای تاریخی، طراحی در مقیاس انسانی، سرمایه‌گذاری در زمینه‌های اقتصادی، فراهم آوردن زمینه‌های مشارکت شهروندان).
 ۵. ایجاد فضاهای عمومی شاد و سرزنده که موجب افزایش مشارکت مدنی و گرد هم آمدن مردم می‌گردد.
 ۶. دسترسی به زیرساخت‌ها و خدمات گوناگون.
- بدین ترتیب اصالت بحث‌های زیست‌پذیری اساساً به درک درست پیوند میان مکان و مردم (شهروندان) و لحاظ داشتن نگرش آنها در این رابطه است.

منابع

- احمدی، فرشته؛ (۱۳۹۳). ارزیابی شاخص‌های کیفیت زندگی با تأکید بر اصول شهر زیست‌پذیر، نمونه موردی: شهرک گلستان در منطقه ۲۲ تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر علیرضا بندرآباد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- بندرآباد، علیرضا؛ (۱۳۸۹). تدوین اصول الگوی توسعه فضایی و شکل شهر زیست‌پذیر ایرانی (مطالعه موردی مناطق ۱، ۱۵ و ۲۲ تهران)، رساله دکتری به راهنمایی دکتر حمید ماجدی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران.
- جعفری اسدآبادی، حمزه؛ (۱۳۹۲). بررسی زیست‌پذیری شهرها در راستای توسعه پایدار شهری (مورد مطالعه: کلان‌شهر تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر فرزانه ساسان‌پور، دانشکده جغرافیا، دانشگاه خوارزمی، تهران.
- جیکوبز، جین؛ (۱۹۶۱). مرگ و زندگی شهرهای بزرگ امریکایی، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- خراسانی، محمدمین؛ (۱۳۹۱). تبیین زیست‌پذیری روستاهای پیرامون شهری با رویکرد کیفیت زندگی (مطالعه موردی شهرستان ورامین)، رساله دکتری به راهنمایی دکتر محمدرضا رضوانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران.
- خراسانی، محمدمین؛ (۱۳۹۳). سکونتگاه زیست‌پذیر، سکونتگاه پایدار، همایش علوم جغرافیایی ایران، دانشگاه تهران، تهران.
- رضوانی، محمدرضا؛ منصوریان، حسین؛ (۱۳۸۷). سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص‌ها، مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۳، صص ۲۶-۱.
- روشن، مینا؛ (۱۳۹۱). تدوین الگوی جامع برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری با تأکید بر ارتقای زیست‌پذیری و تحقق عدالت محیطی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر امین‌زاده گوهرریزی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، دانشکده معماری و شهرسازی.
- شوی، فرانسوا؛ (۱۳۷۵). شهرسازی واقعیات و تخلیات، ترجمه: محسن حبیبی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- صرافی، مظفر و همکاران؛ (۱۳۹۳). اندیشه‌های نو در برنامه‌ریزی شهری، انتشارات قدیانی، تهران.
- علیزاده، سجاد؛ (۱۳۹۳). سنجش عوامل زیست‌پذیری با تأکید بر رویکرد مشارکت (مطالعه موردی محله بریانک منطقه ۱ شهرداری تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر وراز مرادی مسیحی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- عیسی‌لو، علی اصغر و همکاران؛ (۱۳۹۳). انگاره زیست‌پذیری رهیافتی نوین جهت ارتقای کیفیت زندگی در جوامع روستایی (مطالعه موردی: شهرستان قم، بخش کهک)، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۶، صص ۱۲۰-۱۰۷.
- فلاح منشادی، افروز؛ (۱۳۹۲). بازآفرینی فضاهای شهری با رویکرد رویدادمداری و حیات واقعه‌ای به منظور تقویت سرزندگی و ارتقای کیفیت زیست‌پذیری، نمونه موردی محور شمالی-جنوبی شیراز (دروازه قرآن تا شاهچراغ)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر شعله، دانشگاه شیراز، دانشکده هنر و معماری.
- قربانی، زینب؛ خاکپور، براتعلی؛ مافی، عزت‌الله؛ (۱۳۹۲). تحلیل توزیع فضایی کیفیت زندگی در محله‌های شهر چالوس، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره ۱۳، صص ۱۸-۱.
- کلارک، دیوید؛ (۱۳۸۸). جهان شهری، شهر جهانی، ترجمه مهدی قرخلو و فروغ خزاعی‌نژاد، نشر انتخاب، تهران.
- لطفی مهری، حبیب؛ (۱۳۹۳). نقش مقاوم‌سازی مسکن روستایی در زیست‌پذیری روستاها (مورد مطالعه: دهستان مهریویه)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر رکن‌الدین افتخاری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- ویلر، استفان؛ (۱۳۹۳). برنامه‌ریزی برای پایداری: ایجاد جامعه زیست‌پذیر، متعادل و اکولوژیک، ترجمه محمود جمعه‌پور و شکوفه احمدی، نشر علوم اجتماعی، تهران.

- AARP, 2005 livably communities: An Evaluation Guid, public policy instituty, Washington.
- American institute of architects (AIA), (2005) what makes a community livable
- Balsas, Carlos.J.L.(2004): Measuring the livability of an urban center. An exploratory study of key performance indicators planning, practice and research, vol 19, No 1, pp 101-110
- Badland, Hannah. Whitzman, Lowe, Aye, Butterworth, Hes (2014) Urban Liveability: Emerging Lesson From Australian for exploring the potential for indicators to measure the social determinants of health, Social Science and Medicine, No 111, pp 64-73.
- Clinton-Gore Administration, 2000, Building Livable Communities: Sustaining Prosperity, Improving Quality of Life, Building a Sense of Community, available at: www.livablecommunities.gov.
- Dunstan,K (2007), Creating an Indicator of Liveability: The Neighbourhood Liveability Assessment Survey (NLAS), Paper prepared for European Urban Research Association (EURA) conference, 12-14 September, Glasgow, Scotland.
- Embry, M.(2009) Designing community: The application of new urban principles to create authentic communities, Thesis Project, Master of Science Department of Geography.
- Faiz, Asif.Faiz, Aysha. Wang, Wei. Bennet, Christopher .(2012) Sustainable rural roads for livelihoods and livability, Journal Procedia-Social and Behavioral Sciences, No. 53, pp 1-8
- Godschalk, D.R(2004)" land use planning challenges with conflicts visions of sustainable development and livable communitess"
- Hahlweg, D. 1997. "The City as a Family" in Lennard, SH et.al (eds). Making Cities Livable. International Making Cities Livable Conferences, California, USA: Godolier Press. Holt-Jensen, A. (2001). Individual relational space in deprived urban neighbourhoods. Paper presented at ENHR conference, 25-29 June, 2001, Pultusk, Poland. <http://www>.
- Hasan, Lubna.(2007), Cities and Quality of Life-Should we Monitor Pakistani Cities?, Pakistan Institute of Development Economics, Electronic copy available at http://mpira.ub.uni_muenchen.de/6522/
- Howley, Peter & Scotl, Mark & Redmondb, Declan (2009), sustainability versus livability: an investigation of neighborhood satis faction journal of Environmental planning and management
- Hortulanus, R.P. 1996 stadsbuurten en studie over bewoners en beheerders in buurten met uiteenlopende reputaties. VUGA, Den Haag.
- Larice, Michael.(2005)Great Neiborhoods: The Livability and morphology of High density neighborhoods in Urban North America, Doctor of Philosophy in City and Regional Planning, UNIVERSITY OF CALIFORNIA, BERKELEY, Professor Michael SouthworthLau leby jasmine & Hashim, Ahmad Hariza (2010), Liveability dimensions and attributes: their relative importan the eyes of neighbourhood resid dents, journal of construchion in developing countries.
- Lennard, H. L. 1997. "Principles for the Livable City" in Lennard, S. H., S von Ungern-Sternberg, H. L. Lennard, eds. Making Cities Livable. International Making Cities Livable Conferences. Gondolier Press: California, USA.
- Suzanne H. Crowhurst Lennard & Henry L. Lennard,(1995) , Livable Cities Observed. A Source Book of Images and Ideas for City Officials, Community Leaders, Architects, Planners, and All Others Committed to Making Their Cities Livable. Carmel, CA, Gondolier Press.

- Landry, Charles, (2000), Urban Vitality: A New source of Urban Competitiveness, prince claus fund journal, ARCHIS issue Urban Vitality / Urban Heroes.
- Litman, Todd Alexander (2004) Economic value of walkability, world transport policy & practice, volume 10.
- Mahmudi, M. et al (2015), livable streets: the effects if physical prolems on the quality and livability of kuala lampur streets, Cities, No 43, pp 104-114.
- Mccrea, Rod. Walters, Peter. (2012) Impacts of Urban Consolidation on Urban Liveability: Comparing an Inner and Outer Suburb in Brisbane, Australia, Jurnal Housing, Vol. 29, No. 2, pp 190-206.
- M.Arch.(2002) New Urbanism & Development in Contemporary China, Thesis Project, Master of Architecture.
- National Association Of Regional Councils(2002), Livability Literature Review: Synthesis of Current Practice, Washington.
- National Association of Regional Councils(NARC).(2003),U.S.Department of Transportation.
- Newton,P.(2012),Liveable and Sustainable?Socio-Tecchnical Challenges for Twenty-First-Cntury Cities, Journal of Urban Technology, Vol.19, pp 81-102.
- Ottawa county planning commission, 2004 Ottawa county urban smart growth, planning and grants department.
- Southworth, M. (2003),Measuring the Livable City, Built Environment.
- Song yang (2011), a livable city study in china: using structural Equation models, thesis submitted in statistics, department of statistics Uppsala university
- United States Environmental Protection Agency.(2009). HUD-DOT-EPA partnership for sustainable communities. Retrieved from <http://www.epa.gov/smartgrowth/partnership/#background>.
- U Pandey.R .et al(2013), Understanding Qualitative Conceptions of Livability: Indian Perspective, international Jurnal of Research in Engineering and Technology
- Van Kamp, Irene. Leidelmeijer, Kees. Marsman, Gooitske and De Hollander.,(2003)Urban environmental quality and human well-being: Towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study, Landscape and Urban Planning,pp 5-18.
- Victorian competition and efficiency commission (2008), A state of Liveability: An in inguir in to enhancing victoria's Liveability, final report
- Visser, P., van Dam, F. and Hooimeijer, P. (2005). The influence of neighbourhood characteristics on geographical differences in house prices in the Netherlands. Paper presented at European Network for Housing Research (ENHR) International Housing Conference, 29 June–3 July 2005, Reykjavik, Iceland. <http://www.borg.hi.is/enhr2005iceland/index>.
- Wheeler, S.M. (2001). Livable communities: Creating safe and livable neighborhoods, towns and regions in California (Working Paper 2001–2004). Berkeley: Institute of Urban and Regional Development, University of California. <http://www-iurd.ced.berkeley.edu/pub/WP-2001-04.PDF> (accessed 8 July 2006).